



در استان ها تا اعمال نفوذ در بودجه و... - اما در قبال تأثیرات این موارد نیز پاسخگو نیستند. کاستی های هر مدیری در استان ها به پای رئیس جمهوری و دولت نوشته می شود، از اثرات اعمال نفوذ های مجلس در بودجه های سنواتی گرفته تا سایر مداخلات ایشان در سطح محلی، همگی به پای رؤسای جمهوری و وزیران نوشته می شود. فقدان سازوکارهایی که مجلس را در قبال تصمیماتش پاسخگو سازد، ظرفیت منفعت طلبی شخصی در مجلس را افزایش می دهد.

#### ■ سخن آخر

امیدوارم استدلال های مختصر فوق به اندازه کافی نشان داده باشد که تأکید صرف بر مشارکت حداکثری بدون پرداختن به ملزومات کارآمدسازی مجلس شورای اسلامی، مشکل مجلس در ایران را حل نمی کند. نکته دیگری که مایلیم بر آن تأکید کنیم این است که مسأله انتخابات مجلس در ایران صرفاً نظارت استصوابی نیست. نظارت استصوابی یکی از مشکلات انتخابات مجلس شورای اسلامی است اما بر این عقیده ام که حتی با حذف نظارت استصوابی و برقرار بودن سازوکارهایی که در بالا بر شمردم، باز هم مجلسی بسیار کارآمدتر از مجالس چند دوره اخیر در ایران شکل نمی گیرد و از طرف دیگر باباقتی ماندن نظارت استصوابی و تمهید شدن سازوکارهایی که امکانی برای رفع نقایصی که بر شمردم فراهم کنند، می توان به مجلسی بسیار کارآمدتر از مجلس فعلی رسید. مشکل اصلی این است که مجلس به عنوان نهادی که باید محمل اعمال اراده ملت، پاسخگو ساختن سایر نهادها و بالاخص بوروکراسی، بالا بردن سطح شفافیت و مبارزه با فساد باشد، به علل ساختاری ای که

**مجلس به عنوان نهادی که باید محمل اعمال اراده ملت، پاسخگو ساختن سایر نهادها و بالاخص بوروکراسی، بالا بردن سطح شفافیت و مبارزه با فساد باشد، به علل ساختاری ای که تشریح شد خود در معرض عدم شفافیت، ناپاسخگویی، منفعت طلبی و در نهایت تضعیف مشروعیت نهادهای انتخابی است**

خود در معرض عدم شفافیت، ناپاسخگویی، منفعت طلبی و در نهایت تضعیف مشروعیت نهادهای انتخابی است. اگر حاکمیت سیاسی به دنبال افزایش ظرفیت دموکراتیک، اثربخشی و تقویت کارآمدی مجلس شورای اسلامی است، باید گام های مؤثری برای تقویت هویت حزبی در انتخابات مجلس بردارد. شفاف سازی تأمین مالی انتخابات و همچنین آشکار سازی رأی نمایندگان را در دستور کار قرار دهد. بدون چنین سازوکارهایی، در بر همان پاشنه گذشته می چرخد و در مارپیچی قهقراپی، وضعیت بدتر خواهد شد. اصلاح گران ایرانی از هر دو جناح اصلاح طلب و اصولگرا نیز باید به چیزی فراتر از مشارکت یا صرفاً نظارت استصوابی نظر داشته باشند.

در آن حامیان انتخاباتی و زوابعها نقش تعیین کننده ایفا می کنند. آنچه گفته شد، به این معناست که فقدان احزاب سیاسی و آشکار نبودن رأی نمایندگان، در نهایت به منفعت طلب کردن نمایندگان، بی برنامگی و کاهش ظرفیت پاسخگویی می انجامد، اما اینها همه مشکلات ساختاری مجلس شورای اسلامی در ایران نیست. **چهارم**، خلأ قانونی برای شفاف سازی منابع تأمین مالی انتخابات سبب می شود نمایندگان در عمل پاسخگوی حامیان مالی خود باشند و در حرف شعارهایی درباره تأمین منافع مردم سر بدهند. بخشی از فساد که بر اثر اعمال نفوذ های نمایندگان مجلس شکل می گیرد نیز تا اندازه ای به این امر ارتباط دارد. نمایندگان بدون وابستگی به هویت سیاسی حزبی و احساس مسئولیت در قبال حزب - که هویتی فراتر از یک نماینده دارد و خود را به عنوان سازمان در مقابل پایگاه رأی خود مسئول دانسته و مایل به تداوم خود در عرصه سیاسی است - به طرق مختلف طرح هایی را دنبال می کنند، تغییراتی را در لایحه پیشنهاد می دهند و پروژه های عمرانی مشخصی را در حوزه انتخابیه خود پیگیری می کنند که تأمین کننده منافع حامیان مالی انتخاباتی، توسعه دهنده شبکه پدربزرگسالان قدرت در حوزه انتخابیه و تضمین کننده منافع شخصی شان باشد. فقدان ساختار حزبی منسجم، هزینه انتخاب شدن را نیز بالا می برد. احزاب هویت سیاسی فراتر از عمر افراد دارند و برای شناساندن خود به مردم نیازمند به صرف هزینه های گزاف نیستند. سرمایه اجتماعی احزاب و گروه های سیاسی قابل تبدیل به رأی است و جایگزین هزینه های مالی سنگین برای افراد بدون هویت حزبی می شود. فرد کافست در فهرست انتخاباتی حزب قرار گیرد تا سرمایه اجتماعی حزب، جانشین هزینه های مالی خود و حامیان مالی اش شود. احزاب همچنین به دلایل مختلف و اینکه سازمان پاسخگوتری به شمار می آیند، شفافیت بیشتری دارند و از زیانی تأمین مالی آنها روشن تر صورت می گیرد. بدیهی است احزاب نسبت به افراد بدون هویت حزبی، کمتر مدیون حامیان مالی خود هستند و به دلیل حساسیت بیشتر به هویت فردی و مداوم شان در طول تاریخ سیاسی، بیشتر به فساد مالی و عواقب آن حساسیت دارند.

**پنجم**، ظرفیت اجرایی پایین دولت و توسعه نیافتگی ساختارهای سازمانی متولی رفع مشکلات توسعه ای در سطح محلی - نظیر شهرداری ها و شوراهای شهر - سبب می شود نمایندگان مجلس هم فرصتی برای خود نمایی در بر آوردن نیاز های محلی (مثل ساختن زیر ساخت ها، گرفتن مجوز ها و...) داشته باشند و هم با مطالبه مردمی برای پرداختن به این امور مواجه شوند. فقدان برنامه جامع توسعه و آمایش سرزمین، به علاوه سازوکارهای ناشی از بازارهای آزاد اقتصادی که نقش دولت و منابع آن در برنامه ریزی توسعه را ساماندهی کنند، نمایندگان مجلس را به نیروی فعال در عرصه برنامه ها و پروژه های توسعه ای در حوزه های انتخابیه تبدیل می کنند. این گونه می شود که نمایندگان به عوض تمرکز بر وظیفه قانونگذاری به مردان لابی، اعمال فشار بر وزرا و بوروکراسی تبدیل می شوند تا از طریق بر آوردن نیاز های مردم حوزه انتخابیه، توأمان منافع رأی دهندگان و خود را تأمین کنند. این بدان معناست که ظرفیت پایین بوروکراسی و نهادهای محلی، فرصتی برای تقویت محلی گرایی ایجاد می کند.

**ششم**، فقدان احزاب و نیروهای مولد هویت سیاسی فرافردی در مجلس، ظرفیت اندک نمایندگان به مثابه افراد برای تدوین و حفظ برنامه مشخص اصلاحات سیاسی و سیاستی و مطالباتی که مولد محلی گرایی هستند، فرصت های ساختاری برای اعمال فشار بر وزرا و بوروکراسی و گرفتن امتیاز خلق می کند. اگر هویت حزبی بر رفتار نمایندگان حاکم باشد و مقامات ارشد سیاسی در دولت نیز هویت های حزبی داشته باشند، امکان اجماع سازی میان مجلس و دولت افزایش می یابد اما در شرایط فقدان چنین هویت هایی، هر نماینده مجلس با هر وزیر به عنوان فرد مواجه می شود و وزیر نیز به عنوان افراد در مقابل هر نماینده و مجلس قرار می گیرند. احتمال آنکه در چنین رویارویی هایی اجماع بر سر سیاست های مطلوب شکل بگیرد بسیار اندک است. این گونه است که سیاست ورزی برای وزرا و نمایندگان به نبردهای تک به تک، بی ملاحظه سیاست های حزبی و برنامه های مدون، برای بقا در ساختار سیاسی تقلیل می یابد. برنامه هایی که وزرا هنگام کسب رأی اعتماد به مجلس ارائه می کنند، تکالیف قانونی و سندهای بالادستی در چنین فضایی، چارچوب هایی برای عمل فراهم نمی کنند بلکه مستمسک هایی هستند که نمایندگان مجلس هنگام بروز مناقشه با وزرا در راه رسیدن به خواسته های شان، از آنها برای طرح سؤال یا استیضاح استفاده می کنند. اغلب نمایندگان به محقق نشدن قوانین یا مداخلات وزرا در برنامه های تقدیم شده به مجلس توجهی ندارند اما به وقت ضرورت برای تأمین منافع خاص، بندهایی از همان برنامه ها یا اسناد و تکالیف قانونی را مستمسک طرح سؤال و استیضاح قرار می دهند.

**هفتم**، نمایندگان در حالی که به صورت واقعی در حیطه اختیارات قوه مجریه دخالت می کنند - از نظر دادن و اعمال نفوذ بر گماشتن افراد در سمت های مدیریتی